

واکاوی فقهی نقش مسجدالحرام در نماز طواف

مهدی درگاهی^۱

چکیده

از مسائل مطرح در باب حج، تعیین مکان ادای نماز طواف واجب یا مستحب و نقش مسجدالحرام در آن است. هرچند در وهله اول بدیهی می‌نماید که نماز طواف باید در ظرف مسجدالحرام باشد، منتها در فرض جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه السلام از مکان کنونی به محدوده توسعه یافته یا خارج از مسجدالحرام (مثلاً مسعا یا شعب ابی‌طالب) ظرفیت مسجدالحرام در ادای نماز طواف - مخصوصاً خلف یا جنب مقام ابراهیم علیه السلام - از مسائلی است که حکم آن چندان هویدا نیست؛ زیرا تحقیقی موسع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است.

با تکیه بر تحلیل برآمده از منابع فقهی، موضوعیت داشتن خلف مقام ابراهیم علیه السلام برای ادای نماز طواف واجب حکایت از آن دارد که اگر مقام ابراهیم علیه السلام از محدوده کنونی مسجدالحرام به اماکن توسعه یافته یا بیرون از آن (در مسعا یا شعب ابی‌طالب) منتقل شود نماز طواف باید خلف یا جنب مقام گزارده شود.

این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین فقهی نقش مسجدالحرام در نماز طواف انجام شده و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی با گردآوری داده‌های کتابخانه میسر است که نتیجه آن، عدم موضوعیت مسجدالحرام در ظرف ادای نماز طواف واجب در فرض مذکور است.

کلیدواژه‌ها: مسجدالحرام، مقام ابراهیم، نماز طواف.

۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانش‌آموخته سطح چهار حوزوی و استادیار گروه فقه و اصول جامعه

المصطفی العالمية (Aghigh_573@yahoo.com)

پژوهش در زمینه فروع نوظهور فقهی، پیشینه‌ای به درازای عمر مذهب جعفری دارد؛ تا جایی که فقها در اعصار مختلف با تلاش‌های بی‌وقفه به طرح مسائل جدید که ممکن است هنوز مورد ابتلا نباشد، پرداخته‌اند. تتبع در کتب فقهی و تاریخی شاهد این مطلب است و بر جست‌وجوکنندگان پوشیده نیست. توسعه مسجدالحرام و نقش و جایگاه آن در احکام فقهی یکی از مسائلی است که فروع مختلف را به خود اختصاص می‌دهد؛ از جمله: ورود به مسجدالحرام از باب بنی‌شبهه، تعمیم فضیلت مخصوص نماز در مسجدالحرام، اقامه نماز جماعتِ استداره‌ای حول کعبه معظمه، احرام حج از مسجدالحرام و ... با توسعه عرضی و طولی مسجدالحرام شایسته است این فروع مجدداً طرح، و حکم فقهی آن تحلیل شود؛ چراکه ممکن است حکمی از پیش وجود داشته باشد ولی دیگر محل ابتلا نباشد؛ همچون استحباب ورود از باب بنی‌شبهه که امروزه با تخریب آن باب، دیگر محل ابتلا نیست یا مطابق تحلیل فقهی برخی علما، فضیلت مخصوص نماز یا احرام حج به مسجدالحرام قدیم (و نه جدید)، بنا بر فتوا یا احتیاط واجب، اختصاص دارد. (میلانی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۲۰؛ صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۳۳۹؛ بهجت، ۱۴۲۸ق، ص ۲۱۶)

ضرورت طرح مجدد برخی احکام مختص به مسجدالحرام با توجه به توسعه طولی و عرضی مسجدالحرام که در دستور کار دولت سعودی قرار دارد و فرض جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه السلام از مکان فعلی به مکان دیگر، باعث شد تا نویسندگان موضوعیت داشتن اقامه نماز طوافِ مستحب یا واجب در مسجدالحرام را مورد بازپژوهشی قرار دهد تا نقش و جایگاه آن در این فرع فقهی نمایان گردد.

نوآوری این تحقیق در خلال طرح مجدد ادله و اقوال فقها، پاسخ به این پرسش است که آیا نماز طواف حتماً باید در محدوده مسجدالحرام کنونی

خوانده شود و در فرضی که مقام ابراهیم علیه السلام جابه‌جا شود و از مکان فعلی به مقادیر توسعه‌یافته از مسجد یا بیرون مسجدالحرام از سمت مسعا برده شود، آیا نماز طواف واجب که مطابق ادله باید خلف مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود، در محدوده توسعه‌یافته یا خارج از آن صحیح است؟ پر واضح است که مسئله در فرضی دنبال می‌شود که مقام ابراهیم علیه السلام در خود مسجدالحرام (مقادیر توسعه‌یافته) یا نزدیک به آن باشد. به دیگر سخن آنچه در این تحقیق مطرح نظر است، تبیین و تحلیل فقهی نقش مسجدالحرام و مقادیر توسعه‌یافته از آن در ادای نماز طواف است که با تبیین مراد از مسجدالحرام و بررسی محدوده آن در ضمن طرح روایات حاکی از توسعه آن در دوران عباسیان و حکم مقادیر توسعه‌یافته و همچنین تفکیک مباحث در دو بخش «نماز طواف مستحب» و «نماز طواف واجب» صورت می‌گیرد.

مراد از مسجدالحرام و محدوده آن و تبیین حکم مقادیر توسعه‌یافته

«مسجدالحرام» اسم عَلَم، و مسجدی است که کعبه معظمه در آن واقع است. این واژه پانزده مرتبه در قرآن کریم استعمال شده (بقره: ۱۵، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۹۱، ۱۹۶ و ۲۱۷؛ مائده: ۲؛ انفال: ۳۴؛ توبه: ۷، ۱۹ و ۲۸؛ اسراء: ۱؛ حج: ۲۵؛ فتح: ۲۵ و ۲۷) که در مواردی - طبق قرائن و از باب منزلت و شرف مسجدالحرام - در معنای مکه مکرمه (بقره: ۱۹۶ و ۲۱۲) یا حرم امن الهی (بقره: ۱۹۱) به کار رفته است (ذکر جزء و اراده کل). البته تبادل، صحت حمل و استصحاب عدم نقل، از علائمی است که اگر در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، عَلَم برای حول کعبه معظمه نشده باشد (یعنی مسجد، معرفه به الف و لام و با صفت الحرام، گویای آن مکان خاص است؛ به عبارت دیگر مخاطب ابتدا معنای مسجد و صفت آن، یعنی الحرام را تصور می‌کرد و سپس به آن مکان خاص رهنمون می‌شد)، در زمان حضرات معصومان مخصوصاً امامان باقر علیه السلام و صادق علیه السلام، بنا بر کثرت و غلبه استعمال بر آن مکان شریف، عَلَم شده و به اصطلاح، وضع تعینی یافته است و

مراد همان مسجدِ حول کعبه معظمه است.

طبق گزارشات تاریخی، حدودی را که ابراهیم خلیل علیه السلام در تجدید بنای کعبه معظمه نسبت به حدود و گستره مسجدالحرام تعیین کرده بود، در گذر زمان رعایت نشد و اطراف کعبه معظمه و داخل آن محدوده تعیین شده، خانه ساخته شد و تنها به اندازه طواف حول کعبه معظمه باقی ماند. (ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۰۳؛ یعقوبی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۹؛ ابن سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۷۰) این گستره و دایره مطاف و مسجدالحرام در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله تغییری نکرد و حدود آن تا پایان خلافت خلیفه اول چنین بود: «در سمت شرق، تا چاه زمزم و باب بنی شیبیه؛ در سمت غرب، تا ستون‌های بین مدار مطاف و مکان مقام مالکی؛ در جهت شمال، تا ستون‌های میان مدار طواف و مکان مقام حنفی؛ در سمت جنوب، تا ستون‌های بین مدار طواف و مکان مقام حنبلی». (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۸) حدود مذکور، از ورودی باب بنی شیبیه تا ستون‌های بین مدار مطاف، تا پیش از توسعه دولت سعودی، نسل به نسل توسط مسلمانان حفظ گردید و تغییری نیافت؛ چنان‌که عکس‌های قدیمی از مسجدالحرام حاکی از آن است.

با افزایش مسلمانان به تبع گسترش اسلام و ضرورت گسترده‌تر شدن محدوده مطاف، نخستین توسعه توسط خلیفه دوم در سال ۱۷ قمری و خلیفه سوم در سال ۲۶ قمری صورت گرفت. (فاسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۲۴؛ ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۵، ۱۳۴ و ۱۶۸) پس از آن عبدالله بن زبیر در سال ۶۵ قمری، ضمن تجدید بنای کعبه معظمه، صحن مسجدالحرام را از شمال و جنوب گسترش داد. پس از او در دوران خلافت ولید بن عبدالملک اموی (۸۶ تا ۹۶ق) ۱۷۲۵ متر مربع به وسعت مسجدالحرام، افزوده شد. در زمان منصور عباسی (۱۳۷ق)، پنج هزار متر مربع به غرب و شمال مسجد افزوده شد. مهدی عباسی نیز ابتدا در سال ۱۶۱ قمری خانه‌های واقع شده میان مسجدالحرام و مسعا را تخریب کرد و سال ۱۶۷ قمری مسجد را از تمام جهات به شعاع مسعا (۶۵۶۰ متر مربع) توسعه داد و رواق‌هایی اطراف آن ساخت و ستون‌هایی برافراشت و

کعبه معظمه درست وسط مسجد قرار گرفت. (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۷۴؛ ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۴-۸۱)

در گزارشات رسیده از معصومان، وقتی از ایشان پیرامون توسعه‌های مسجدالحرام پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سؤال می‌شود، امام علیه السلام تصریح می‌کند که وسعت افزوده شده به مسجدالحرام به حدود آن در زمان ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نمی‌رسد؛ برای مثال در حدیثی معتبر، راوی از مقادیر توسعه یافته می‌پرسد که آیا جزو مسجد محسوب می‌شود یا نه. امام علیه السلام می‌فرماید: «نَعَمْ إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا بَعْدَ مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ علیهما السلام»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲۶) «بله [البته که از مسجد است]؛ اما [این توسعه‌ها] هنوز به حد مسجدی که حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا نهادند، نمی‌رسد». همچنین وقتی از امام صادق علیه السلام درباره حکم نماز در مکان‌های توسعه یافته پرسیده می‌شود (گویی نسبت به تخریب‌های صورت گرفته در اطراف مسجدالحرام، شبهه غضب مال غیر داشته‌اند)، ایشان می‌فرماید:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ علیهما السلام حَدَا الْمَسْجِدَ مَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمُرْوَةِ فَكَانَ النَّاسُ يُجْحَمُونَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَى الصَّفَا. (طوسی، ۱۴۰۷ق (الف)، ج ۵، ص ۴۵۳)

ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام مسجدالحرام را به اندازه حد فاصل کوه صفا به مروه قرار داده‌اند و مردمان آن روزگار از مسجد به صفا می‌رفتند (کنایه از اینکه میان مسجد و کوه صفا راهی نبوده و تمام این حد فاصل جزو مسجد بوده است).

به دیگر سخن، ائمه علیهم السلام برای رفع شبهات در صدق عنوان مسجد بر مقادیر توسعه یافته، به توصیف گستره مسجدالحرام در دوران ابراهیم خلیل علیه السلام پرداختند. مطابق گزارشات دیگر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۲۶) و همچنین پاسخ امام صادق و امام کاظم علیهما السلام به منصور و مهدی عباسی (۲)، حکم مسجد بر مقادیر توسعه یافته بار می‌شود. بنابراین امروزه نیز اگر مسجدالحرام توسعه یابد، تمام احکام مسجدالحرام بر آن مقادیر مترتب می‌شود و ملاک همان صدق عنوان مسجدیت بر حدود توسعه یافته است؛ البته از سمت مسعا، نمی‌توان مسعا را نیز جزئی از مسجد قرار داد؛ به عبارت دیگر، مستفاد از روایات مذکور آن

است که گستره مسجدالحرام تا مسعاست و متفاهم عرفی از بیان حد مسجدالحرام، آن هم از یک جهت «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَدَّ الْمَسْجِدَ مَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ»، آن است که مسجدالحرام را نمی‌توان از این سمت توسعه داد و مسعا را در توسعه جدید جزئی از مسجد قرار داد. از طرف دیگر، ترسیم حدود مسجدالحرام در این احادیث با مشروعیت توسعه آن در مقادیری بیشتر از حد بیان شده از جهات دیگر، غیر از سمت مسعا، منافاتی ندارد؛ زیرا تتبع در احادیث و دقت در مدلول آن، حاکی از آن است که برخی شبهه غضب داشتند؛ به این بیان که آیا مکان‌های توسعه‌یافته توسط خلفای عباسی که با تخریب خانه‌های مردم صورت گرفت، حکم مسجد را دارد یا نه؟ معصومان علیهم‌السلام با ترسیم حدود اولیه مسجدالحرام که بسیار وسیع‌تر از تصور اصحاب بود، در مقام فهماندن این مطلب بودند که مقادیر وسعت‌یافته از مسجدالحرام، حکم مسجد را دارد و این نشان می‌دهد که معیار، صدق عنوان مسجدیت بر آن مقادیر توسعه‌یافته است؛ چراکه وقتی امام معصوم علیه‌السلام در پاسخ به شبهه اصحاب، تنها به حدود مسجد در یک سمت اشاره می‌کند، دلالت می‌کند که توسعه مسجد در اضلاع و جهات دیگر مانعی ندارد؛ وگرنه این سکوت امام علیه‌السلام نسبت به جهات دیگر در بیان محدوده مسجدالحرام و پاسخ به شبهه اصحاب، نوعی اغرای به جهل را در پی دارد و این بعید است.

نقش مسجدالحرام در ادای نماز طواف مستحبی

واکاوی کتب فقهی حاکی از آن است که نماز طواف مستحبی در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام خوانده می‌شود و فرق نمی‌کند که نزد مقام ابراهیم، خلف آن یا هر مکان دیگری مثل حجر اسماعیل باشد. فقهای بسیاری همچون محقق حلی (محقق حلی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۹۳)، فاضل ابی (آبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۳)، فاضل مقداد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۹۹)، جمال‌الدین اسدی (اسدی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۰۴)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱،

ص ۳۹۶)، شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۳۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۹)، میرسیداحمد علوی (علوی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۷)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۳۴۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰؛ همو، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۲)، سید حکیم (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۹)، محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۷۱)، سید محمود حسینی شاهرودی (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۴۹)، امام خمینی (پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۳ش، ص ۴۴۳)، محقق خویی (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۴۰) و دیگران (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۱۹؛ پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۳ش، ص ۴۴۳، ذیل مسئله ۷۸۱) بر این فتوا تصریح کرده‌اند و محقق نراقی (نراقی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۴۲) از اتفاق فقها بر آن خبر می‌دهد. صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۱۴۳) و صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۵)، مدعی «بلاخلاف» هستند و صاحب جواهر نیز می‌نویسد: «من مخالفی را از جهت نص و فتوا نیافته‌ام». (صاحب جواهر، بی تا، ج ۱۹، ص ۳۲۰) این فتوا برآمده از روایات گزارش شده از حضرات معصومان علیهم‌السلام است که مدلول آن حاکی از موضوعیت داشتن مسجدالحرام در اتیان نماز طواف مستحبی است. احادیث چنین‌اند:

روایت اول: زراره از امام باقر یا امام صادق علیهم‌السلام نقل کرده است:

لَا يَنْبَغِي أَنْ تُصَلِّيَ رُكْعَتِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَمَّا التَّطَوُّعُ فَحَيْثُ شِئْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۲۶)^۱

شایسته نیست دو رکعت نماز طواف واجب را به‌جا آوری، مگر در کنار مقام ابراهیم علیه‌السلام؛ اما نماز طواف مستحبی را در هر نقطه از مسجد می‌توانی اقامه کنی.

روایت (معتبر) دوم: امام صادق علیه‌السلام فرموده:

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مَعْلَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي بِنِ عُمَرَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما‌السلام قَالَ...». تعبیر «عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا» در سلسله سند، حاکی از عدم حجیت آن در استناد حکم فقهی به آن است.

كَانَ أَبِي يَقُولُ: مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أُسْبُوعاً وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي أَيِّ جَوَانِبِ الْمَسْجِدِ شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ الْحَدِيثَ. (همانجا)^۱

پدرم می گفت: «هر کس هفت بار، دور این خانه طواف کند و دو رکعت نماز آن را در هر جای مسجد بخواند، خداوند برای او شش هزار حسنه می نویسد و...».

روایت سوم: ابی بلال مکی می گوید:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ صَلَّى فِيمَا بَيْنَ الْبَابِ وَالْحِجْرِ الْأَسْوَدِ رَكَعَتَيْنِ فَقُلْتُ لَهُ: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا مِنْكُمْ صَلَّى فِي هَذَا الْمَوْضِعِ». فَقَالَ: «هَذَا الْمَكَانُ الَّذِي تَسِبُّ عَلَى آدَمَ فِيهِ». (همانجا)^۲

دیدم که امام صادق علیه السلام طواف خانه کعبه کرد و دو رکعت نماز آن را بین در خانه و رکن حجرالأسود خواند. به ایشان گفتم: «کسی از شما اهل بیت را ندیدم که اینجا نماز بگزارد». فرمود: «این همان مکانی است که توبه حضرت آدم علیه السلام در آنجا پذیرفته شد».

– واکاوی دلالی

حدیث اول به مشروعیت اتیان نماز طواف مستحبی در هر جایی از مسجدالحرام تصریح می کند و گزارش فعل امام علیه السلام در حدیث سوم، نشان می دهد که مکلف می تواند نماز طواف را در هر نقطه ای از مسجدالحرام – حتی اگر نزد یا خلف مقام ابراهیم علیه السلام نباشد – بخواند. مطابق صناعت فقهی، عدم حجیت و اعتبار سندی این دو حدیث، مانع از استناد فتوای مذکور به آن است؛

۱. «[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ] عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الثَّمَالِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ طَافَ قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ...» واکاوی رجالی حاکی از حجیت این سند در استناد حکم فقهی به آن است.

۲. «[مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَغَيْرِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَاءِ عَنْ أَبِي بِلَالٍ الْمَكِّيِّ قَالَ: «...» واکاوی رجالی حاکی از عدم توثیق «أبسی بلال مکی» و به تبع، عدم حجیت سند در استناد حکم فقهی به آن است.

هرچند که مدلول آن دو بر دیدگاه فوق دلالت دارد. البته حدیث دوم معتبر و حجت است و هرچند در ظاهر به استحبابی بودن طواف و نماز آن اشاره‌ای ندارد، ولی تأمل در مفاد آن و قرینیت مدلول آن «كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ» مستحبی بودن طواف و نماز آن را می‌رساند و ثابت می‌کند که اتیان نماز طواف مستحبی به مکان خاصی از مسجدالحرام محدود نیست و در تمام آن مشروع است؛ به دیگر سخن، این احادیث در مقام بیان آن است که نماز طواف مستحبی همچون نماز طواف واجب نیست تا فقط نزد یا خلف مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام مکان اتیان و ادای آن باشد؛ به عبارت دیگر، مدلول این احادیث بر مشروع بودن اتیان نماز طواف مستحبی در تمام محوطه مسجدالحرام دلالت و نسبت به ادای آن در مسمای مسجدالحرام در تمام اعصار و دوران اطلاق دارد و نسبت به خارج و بیرون از مسجدالحرام، مثلاً در مسعا یا شعب ابی طالب، ساکت است؛ یعنی مسجدالحرام برای اتیان نماز طواف مستحبی متعین نشده. بنابراین اگر دلیل دیگری مطرح شود که بیرون از مسجدالحرام نیز می‌توان نماز طواف مستحبی خواند، مفاد آن با روایات مذکور منافاتی ندارد.

تتبع در منابع روایی، حاکی از حدیثی به این مضمون است که اتیان نماز طواف مستحبی در خارج از مسجدالحرام - البته در محدوده شهر مکه مکرمه - نیز مشروع است. متن حدیث چنین است: «علی بن جعفر می‌گوید:

عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بَعْدَ الْفَجْرِ فَيُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ خَارِجاً مِنَ الْمَسْجِدِ قَالَ: يُصَلِّي بِمَكَّةَ لَا يُخْرُجُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ يَنْسَى فَيُصَلِّي إِذَا رَجَعَ فِي الْمَسْجِدِ أَيَّ سَاعَةٍ أَحَبَّ رَكَعْتِي ذَلِكَ الطَّوَّافُ. (همان‌جا)

از امام موسای کاظم عَلَيْهِ السَّلَام درباره وظیفه مردی پرسیدم که پس از [نماز] صبح طواف می‌کند و دو رکعت آن را بیرون از مسجد می‌خواند. حضرت فرمود: «باید در مکه بخواند و پیش از خواندن آن، از شهر بیرون نرود؛ مگر آنکه فراموش کند. پس هرگاه به مسجد برگشت، آن دو رکعت را [دوباره] بخواند».

حدیث مذکور از حیث سند اعتباری ندارد و با اینکه در منظر و مرآی

علمای مذهب جعفری بوده، با تمام اختلاف مبانی‌شان در آخذ به احادیث، مطابق روایت مذکور فتوا نداده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۵) و این نشان می‌دهد که هرچند از روایات سه‌گانه پیشین، حتمیت و تعیین مسجدالحرام برای اتیان نماز طواف مستحبی در آن فهمیده نمی‌شود، (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۱۴۲) ولی عدم فتوای علما به مدلول روایت مذکور، با تمام اختلافاتشان در مبانی اخذ حدیث، نشان می‌دهد که نمی‌توان به مشروع بودن نماز طواف مستحبی در خارج از مسجدالحرام - مثلاً در مسعا و شعب - طبق این روایت، حکم کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۵؛ صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۲۰؛ نراقی، همان؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۲۷۹؛ شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۴، ص ۳۴۹؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۵۶)

خلاصه مستفاد از ادله آن است که اتیان نماز طواف مستحبی در تمام محوطه مسجدالحرام - اعم از حیاط، صحن‌ها و طبقات فوقانی - جایز و مشروع است؛ به عبارت دیگر، ملاک و مناط در آن خواندن نماز در مسمای مسجدالحرام است؛ یعنی هر مکان و نقطه‌ای که عرف آن را مسجدالحرام بدانند، هر چقدر که بزرگ شود، اتیان و ادای نماز طواف مستحبی در آن جایز و مشروع است.

نقش مسجدالحرام در ادای نماز طواف واجب

برخی فقها در وجوب یا استحباب نماز طواف واجب، فتوای به استحباب را مطرح کرده و به شاذ از اصحاب نسبت داده‌اند؛ (طوسی، ۱۴۰۷ق (ب)، ج ۲، ص ۳۲۷؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۷۶) ولی صاحب جواهر می‌نویسد: «ظاهراً در مورد اصل وجوب نماز طواف واجب، اختلافی نیست و برای نظریه استحباب میان فقها، قائلی یافت نشد». (صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۰۰) به هر حال، فارغ از این بحث، درباره مکان اتیان نماز طواف واجب در مسجدالحرام بین فقهای مذهب جعفری اختلاف است: برخی همچون شهید اول، (شهید اول،

بی‌تا، ص ۱۷۸) شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۶۸) و صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۱) معتقدند نماز طواف واجب باید نزد مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود و خلف آن تعیین ندارد؛ بعضی دیگر مثل قاضی ابن براج، (ابن براج، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۲۸) محقق اردبیلی، (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۸۷) صاحب حدائق، (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۱۳۸-۱۴۱، محقق نراقی، (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۷۷ و ۱۳۹) صاحب جواهر، (صاحب جواهر، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۱۹)، امام خمینی، (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۶) محقق خویی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۹، ص ۱۰۱) و دیگران (پژوهشکده حج، ۱۳۹۳ش، ص ۴۴۱) به تعیین خلف مقام ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کنند؛ گروه سوم همه مسجدالحرام را مکان ادای نماز طواف واجب می‌دانند. شیخ طوسی، (طوسی، ۱۴۰۷ق (الف)، ج ۲، ص ۳۲۷) ابوالصلاح حلبی (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۷) و دیگران (پژوهشکده حج، ۱۳۹۳ق، ص ۴۴۰ و ۴۴۱) از دسته اخیرند.

نظر به اینکه مقام ابراهیم خلیل علیه السلام در مسجدالحرام قرار دارد، آنچه از فتاوی‌ای مذکور فهمیده می‌شود آن است که نماز طواف واجب، طبق هر سه دیدگاه، در مسجدالحرام خوانده می‌شود؛ البته اختلاف فتاوی‌ای مذکور ناشی از تعابیر متفاوتی است که در گزارشات رسیده از حضرات معصومان در منابع روایی منعکس شده است. احادیث سه دسته‌اند: در برخی به تمام مسجدالحرام، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۲۶ و ۴۲۷) و در برخی به نزد مقام ابراهیم علیه السلام، (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۵۵ و ۲۶۴ و ج ۱۳، ص ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۱ و ۴۵۸ و ج ۱۴، ص ۳۱۶) و در برخی به خلف مقام ابراهیم علیه السلام (همان، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۸، و ۲۵۵ و ج ۱۲، ص ۳۵۲ و ج ۱۳، ص ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۰ و ۴۴۴) به عنوان مکان اتیان و ادای نماز طواف واجب اشاره شده است.

مقتضای مدلول روایات دسته اول آن است که هر نقطه‌ای از مسجدالحرام می‌تواند محل و مکان اتیان نماز طواف واجب باشد؛ بدون آنکه حیثیت نزد (=جنب و کنار) یا خلف (=پشت) مقام ابراهیم علیه السلام در آن دخالت داده شود.

مقتضای مدلول روایات دسته دوم این است که نزد مقام ابراهیم علیه السلام، محل ادای نماز طواف واجب است و حیثیت خَلْفِ مقام در آن مدخلیتی ندارد. مقتضای مدلول روایات دسته سوم آن است که خصوصِ خلفِ مقام ابراهیم علیه السلام مکان اتیان نماز طواف واجب است.

مطابق صناعت اصولی، تقابل این روایات، از نوع تقابلِ مطلق و مقیدِ موافق و مثبت، البته با احراز وحدت حکم، بوده که نتیجه آن، حمل مطلق بر مقید است؛ به دیگر سخن، پر واضح است که نسبت بین مسجد و نزد مقام ابراهیم علیه السلام و خلف آن، نسبت کل به جزء است؛ اما آنچه در اینجا مراد است نسبت بین «وجوب نماز طواف در مسجدالحرام» و «وجوب نماز طواف در نزدیکی مقام ابراهیم علیه السلام» و «وجوب نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام» است که از قبیل نسبت مطلق به مقید است؛ توضیح آنکه مفاد روایات دال بر نزد مقام ابراهیم علیه السلام، نماز طواف واجب را، چه در سمت راست و چه در سمت چپ و چه در پشت مقام، واجب و صحیح می‌داند و مفاد احادیث دال بر خَلْفِ مقام ابراهیم علیه السلام آن است که نماز طواف، تنها در پشت مقام ابراهیم علیه السلام واجب و صحیح است. بنابراین تقابل روایات، به نحو مطلق و مقید مثبت است. در این موارد، عرف اطلاق حکم مُستفاد از احادیث دال بر وجوب نماز طواف در تمام مسجدالحرام و نزد مقام ابراهیم علیه السلام را با توجه به احادیث دال بر خَلْفِ مقام، مقید می‌سازد؛ به عبارت دیگر، در احادیث باب، گاهی مولا در یک کلام نماز طواف را در همه مسجدالحرام، و در سخن دیگر، نزد مقام ابراهیم علیه السلام و در کلام سوم، پشت مقام ابراهیم علیه السلام مشروع دانسته است. عقلاً هنگام مواجهه با چنین سخنانی، با فرض وحدت حکم، کلام مطلق را بر کلام مقید حمل می‌کنند؛ چه اینکه «اصالة الاطلاق» را در مواردی جاری می‌کنند که در برابر و مقابله دلیل مقیدی وجود نداشته باشد.

افزون بر این مطلب، قرینه قرار دادن سخن مطلق برای حمل سخن مقید برخلاف ظاهر، یعنی استحباب، در فضای تشریح مرسوم و شناخته شده نیست؛

چون روش شناخته شده نزد متشرعه، حمل سخن مطلق مولا بر سخن مقید او است. (ر.ک: خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۴ و ۳۳۵)

بر فرضی که عدم احراز وحدت حکم در سخن مطلق و مقید مثبت را بپذیریم، تحلیل جمع روایات چنین است که گاهی در دلیل مطلق احراز می شود که حکم به خود طبیعت تعلق گرفته است و قید دیگری غیر از قید یادشده در دلیل مقید، احتمال داده نمی شود. در این صورت، وحدت حکم به صورت عقلی احراز می گردد؛ چراکه دو اراده به مطلق و مقید تعلق گرفته و با توجه به اینکه مقید همان طبیعت با قید است، در واقع باید دو حکم متماثل جعل شده باشد که این محال است. از این رو مطلق بر مقید حمل می شود. گاهی نیز قید دیگری در موضوع احتمال داده می شود که در این صورت، یا با دست برداشتن از استقلال دلیل مطلق و حمل آن بر مقید یا با حفظ ظهور استقلالی و کشف قید دیگری در آن، تنافی حل می شود. البته از آنجا که ظهور مطلق در استقلال ضعیف می باشد، قید دیگری احتمال داده نمی شود. بنابراین در این وجه نیز مطلق بر مقید حمل می شود. (همانجا)

بنابراین مطابق صناعت اصولی صحیح در جمع تنافی ظاهری روایات، نماز طواف واجب باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود؛ (۳) حال سؤال اینجاست که مسجدالحرام در ادا و اتیان نماز طواف واجب چه نقش و جایگاهی دارد؟ به دیگر سخن اگر فرض شود که مکان فعلی مقام ابراهیم علیه السلام تغییر کند و به بیرون مسجدالحرام - مثلاً مسعا یا شعب ابی طالب - منتقل شود، جایگاه مسجدالحرام در مکان نماز طواف واجب چیست؟ یعنی با عنایت به ادله می توان اطلاقی را ثابت دانست که خلف مقام ابراهیم علیه السلام برای نماز طواف واجب موضوعیت دارد و مقام ابراهیم علیه السلام هر کجا باشد نماز طواف واجب هم باید خلف آن در همان جا خوانده شود؛ هر چند آن مکان خارج از مسجدالحرام باشد؟

واکاوی روایاتی که وجوب نماز طواف را در پشت یا نزد مقام ابراهیم علیه السلام

مطرح می‌کنند، حاکی از اطلاق مفاد آنهاست؛ به این بیان که فرض جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه السلام به مکانی دیگر را هم در بر می‌گیرند؛ یعنی مقتضای اطلاق ادله، وجوب و صحت نماز طواف واجب را در پشت یا نزد مقام ابراهیم علیه السلام در مکان جدید آن ثابت می‌کند؛ هرچند جایگاه جدید آن خارج از مسجدالحرام - مثل مسعا یا شعب - باشد. توضیح بیشتر آنکه برخی از روایات حاکی از آن است که آیه شریفه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ (بقره: ۱۲۵) در مقام تبیین کیفیت اتیان نماز طواف، اطلاق دارد. هرچند این اطلاق با عنایت به بعضی از روایات دیگر، به خلف (= پشت) مقام ابراهیم علیه السلام تقیید خورده است، ولی اطلاق آن از جوانب دیگر - از جمله تغییر مکان و جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه السلام و کیفیت ادای نماز طواف نزد آن - باقی است.

در گزارش معتبر صفوان بن یحیی چنین نقل شده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا خَلْفَ الْمَقَامِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ فَإِنْ صَلَّيْتَهَا فِي غَيْرِهِ فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۲۵)

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «همه باید دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام به‌جا آورند؛ چراکه خداوند متعال می‌فرماید: از مقام ابراهیم علیه السلام عبادتگاهی برای خود برگزینید. پس اگر در غیر از این جایگاه به‌جا آوردی، باید آن را اعاده کنی.»

در این حدیث و گزارشات مشابه (همان، ۱۴۰۹ق، ص ۴۲۵، ۴۳۱ و ۴۳۲)، حضرات معصومان علیهم السلام به آیه شریفه مذکور استناد کرده‌اند و با اینکه مقام ابراهیم علیه السلام در زمان نزول آیه جنب و کنار کعبه معظمه بوده (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۵؛ فاسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۰۷) و خلیفه دوم (عمر) آن را جابه‌جا، و به مکان فعلی منتقل کرده است، (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۷۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۳، و ج ۸، ص ۵۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق (الف)، ج ۵، ص ۴۵۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۳؛

ابن حجر، ۱۳۷۹ق، ج ۸، ص ۱۶۹) به اصحاب خود کیفیت استناد به آیه شریفه را برای فهم حکم شرعی مسئله (= مکان اتیان نماز طواف) نشان، و به آنان فرمان داده‌اند که باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام در مکان فعلی آن - که تغییر یافته از مکان قبلی است - نماز طواف واجب را ادا کنند و در غیر آن، باید مجدد بخوانند؛ به دیگر سخن، چگونه ممکن است ائمه علیهم السلام در این گزارشات، به آیه شریفه مذکور استناد کنند و یاران خود را به مکان فعلی مقام ابراهیم علیه السلام متوجه سازند، در حالی که زمان نزول آیه شریفه، مقام ابراهیم علیه السلام در مکان اصلی خود - یعنی جنب کعبه معظمه - قرار داشت؟! آیا این نحوه استناد به آیه شریفه حاکی از اطلاق آن نسبت به جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه السلام نیست؟! آیا اثبات نمی‌کند که در فرض جابه‌جایی مقام ابراهیم علیه السلام از مکان فعلی، باز هم می‌توان به آیه شریفه استناد کرد و محل اتیان نماز طواف واجب را در مکان جدید مقام ابراهیم علیه السلام و خلف و پشت آن دانست؟! صد البته پاسخ مثبت است.

علاوه بر این، بعضی از یاران و اصحاب ائمه علیهم السلام همین اطلاق مذکور را از آیه شریفه برداشت، و به استناد آن، بر وجوب نماز طواف واجب خلف (=پشت) مقام ابراهیم علیه السلام استدلال کرده‌اند و این استنباط و استدلال و تحلیل در محضر امام علیه السلام و با تقریر آن حضرت همراه بوده و پر واضح است که تقریر معصوم به اطلاق‌گیری مذکور از آیه شریفه حجیت می‌بخشد؛ چنان‌که ابوبصیر در گزارشی معتبر نقل می‌کند:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ حَتَّىٰ أُرْتَحِلَ. قَالَ علیه السلام: «إِنْ كَانَ أُرْتَحِلَ فَإِنِّي لَا أَشُقُّ عَلَيْهِ وَلَا أَمُرُهُ أَنْ يَرْجِعَ وَلَكِنْ يُصَلِّي حَيْثُ يَذْكُرُ». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۳۰)

از امام صادق علیه السلام درباره وظیفه کسی پرسیدم که فراموش کرده است دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام به‌جا آورد و از مکه بیرون رفته است؛ با اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «از مقام ابراهیم علیه السلام عبادتگاهی برای خود برگزینید».

حضرت فرمود: «اگر از مکه مکرمه بیرون رفته است، دیگر بر او سخت نمی‌گیرم و به او دستور نمی‌دهم که برگردد؛ ولی هر جا یادش می‌افتد، نماز را به‌جا آورد.»

توضیح آنکه ابوبصیر مرادی برای اثبات وجوب اتیان نماز طواف واجب در خلف مقام ابراهیم علیه السلام، به آیه شریفه استناد و استدلال می‌کند؛ در حالی که هنگام نزول آیه شریفه، مقام ابراهیم علیه السلام کنار کعبه معظمه، و در زمان استدلال مذکور در مکان فعلی بوده است. عنایت به این نکته حاکی از آن است که ابوبصیر از آیه شریفه اطلاق را فهمیده و این فهم و برداشت را امام صادق علیه السلام نیز تقریر فرموده و استدلال ابوبصیر را ردّ نکرده است. پس آیه شریفه اطلاق دارد و مطابق مقتضای آن، اگر مکان مقام ابراهیم علیه السلام تغییر یابد، نماز طواف باید خلف آن در مکان جدیدش خوانده شود.

مضاف بر ادله پیشین، در بعضی روایات (همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۱۸، ۲۲۰، و ۲۲۱) بر ادای نماز طواف در پشت یا جنب مقام ابراهیم علیه السلام، به طور مطلق، امر شده و این امر به نحو قضیه حقیقیه است؛ یعنی طواف گزار در طواف واجب در هر زمان باید نزد یا پشت مقام، نماز طواف را ادا کند و ویژه طواف گزاران دوران صدور روایت نیست؛ به دیگر سخن، مقام ابراهیم علیه السلام از مکان اصلی خودش - که جنب کعبه معظمه بود - به جایگاه فعلی منتقل شد و در زمان صدور این روایات در همین مکان فعلی قرار داشت و با اینکه مطابق گزارشات دیگر، حضرات معصومان از این جابه‌جایی رضایت نداشتند و حتی آن را ابراز می‌کردند، (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۷۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۳، ح ۲؛ و ج ۸، ص ۵۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ق (الف)، ج ۵، ص ۴۵۴) ولی در این روایات، در مقام بیان کیفیت اعمال حج و عمره به پیروان خود دستور می‌دهند که نماز را پشت مقام ابراهیم علیه السلام یا نزد آن (حسب اختلاف روایات) ادا کنند و این یعنی به اقامه نماز طواف در مکان مقام ابراهیم علیه السلام در زمان صدور روایات (پس از جابه‌جایی آن توسط خلیفه دوم)

دستور داده‌اند. بنابراین هنگامی که مکلفان دوران صدور روایت، به ادای نماز طواف در مکانی که عُمر برای مقام ابراهیم علیه السلام تعیین کرده بود، مکلف بودند - با اینکه مکان اصلی مقام در دوران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و زمان نزول آیه شریفه جنب کعبه معظمه بود و امامان معصوم از آن انتقال راضی نبودند - پس همگان نیز در دوران حاضر تکلیف دارند نماز طواف واجب را نزد یا پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا آورند؛ هر چند مقام ابراهیم علیه السلام جابه جا شود و از همین مکان فعلی نیز به مکان دیگر در خارج از مسجدالحرام - مثلاً مسعا یا شعب - منتقل شود. اگر گفته شود امامان معصوم در این روایات در مقام تبیین آنند که نماز طواف در نقاط دیگر مسجدالحرام صحیح نیست - همان طور که اهل سنت بر آن عقیده‌اند - باز هم به اطلاق روایات از حیث انتقال مقام ابراهیم علیه السلام به مکان دیگر، خدشه وارد نمی‌کند.

نتیجه آنکه طبق مقتضای اطلاق ادله، اعم از آیه مذکور و روایات، محدوده کنونی مسجدالحرام و حتی مقادیر توسعه یافته در آینده نیز برای ادای نماز طواف واجب موضوعیت ندارد؛ بلکه آنچه موضوعیت دارد، خلف یا نزد مقام ابراهیم بودن است؛ چه این مقام ابراهیم علیه السلام داخل محدوده کنونی مسجدالحرام باشد و چه به مقادیر توسعه یافته یا مکانی بیرون از مسجد - البته نزدیک آن همچون مسعا و یا شعب - منتقل شود.

ممکن است گفته شود ظرف مسجدالحرام برای ادای نماز طواف واجب موضوعیت دارد؛ همان طور که برای نماز طواف مستحبی موضوعیت دارد؛ توضیح آنکه در بعضی روایات - که متن آن در بحث پیشین گذشت - نماز طواف مستحب به مسجدالحرام مشروط شده (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۲۶) و این نشان می‌دهد نماز طواف واجب نیز باید در ظرف مسجدالحرام خوانده شود. علاوه بر اینکه ارتکاز مسلمانان در ادوار گذشته تاکنون، ادای نماز طواف واجب در مسجدالحرام است و این ارتکاز حاکی از موضوعیت مسجدالحرام در ادای نماز طواف واجب است؛ به این بیان که نماز طواف واجب باید خلف

مقام ابراهیم علیه السلام و در مسجدالحرام خوانده شود.

در پاسخ به دو اشکال مذکور باید گفت: همان‌طور که پیش‌تر تبیین شد، روایات مربوط به نماز طواف مستحبی از این جهت که نماز طواف مستحبی خارج از مسجدالحرام مشروع است یا نه، ساکتند. علاوه بر اینکه اثبات شرطیت خلف مقام ابراهیم علیه السلام برای نماز طواف واجب و عدم آن شرط در نماز طواف مستحبی، موجب می‌شود که نتوان با استناد به شرطیت مسجدالحرام در نماز طواف مستحبی، بر فرض قبول، به شرطیت مسجدالحرام برای نماز طواف واجب استدلال کرد.

اما ارتکاز مسلمانان چه بسا از این جهت باشد که تا امروز مقام ابراهیم علیه السلام در محدوده کنونی مسجدالحرام بوده است. لذا نمی‌توان ارتکاز مذکور را شرطی مستقل در برابر شرط پشت مقام ابراهیم علیه السلام دانست. بنابراین محدوده فعلی مسجدالحرام برای ادای نماز طواف واجب هیچ نقشی ندارد و تنها خلف مقام برای ادای آن شرط است. پس در فرضی که از باب کنترل ازدحام، مقام ابراهیم علیه السلام به مقادیر توسعه‌یافته و یا به مسعا یا شعب منتقل شود، مطابق ادله، نماز پشت آن خوانده می‌شود. البته هرگاه رسیدن به مقام در بیرون از مسجدالحرام یا حتی در خود مسجدالحرام حرجی داشته باشد، حکم نماز گزاردن پشت مقام نفی، و نماز در هر جای مسجدالحرام خوانده می‌شود؛ چون در اسلام، هرگونه حکم حرجی نفی شده است. این مسئله در روایات همین باب هم به چشم می‌خورد. (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۹۷)

نتیجه‌گیری

واکاوی منابع فقهی نشان می‌دهد توسعه مسجدالحرام در اضلاع و جهاتی غیر از جهت مسعا بدون اشکال است و حکم مسجدالحرام بر آن مقادیر بار می‌شود و با ارزیابی ادله معتبر فقهی، ادای نماز طواف مستحبی در تمام محوطه مسجدالحرام - اعم از حیاط، صحن‌ها و طبقات فوقانی - جایز و مشروع است و

مناطق و معیار در آن، خواندن نماز در مسمای مسجدالحرام در هر مکان و نقطه‌ای که عرف آن را مسجدالحرام بدانند، است. البته محدوده کنونی مسجدالحرام برای ادای نماز طواف واجب موضوعیت ندارد. بنابراین در فرضی که مقام ابراهیم علیه السلام از باب ازدحام و امثال آن به مقادیر توسعه‌یافته یا مکانی غیر از مسجدالحرام همچون مسعا و شعب منتقل شود - همان‌طور که پیش‌تر توسط عمر به مکان فعلی منتقل شد - مطابق صناعت صحیح اصولی در جمع روایات، نماز طواف خلف - و نه نزد - آن خوانده می‌شود؛ هرچند مقام در محدوده کنونی مسجدالحرام نباشد یا بیرون از آن باشد؛ مگر آنکه ارتکاز مسلمانان در ظرفیت مسجدالحرام به مثابه شرطی مستقل از خلفیت مقام دانسته شود. والله العالم المتعال.

پی‌نوشت

۱. مقام ابراهیم علیه السلام اسم، و علم، و با عنایت به برخی آیات شریفه (آل عمران: ۹۶-۹۷) و روایات (ازرقی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۸۳)، تکه‌سنگی از یادگارهای ابراهیم خلیل علیه السلام (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۳) است که امروزه در پوشش طلا داخل محفظه شیشه‌ای با گنبدی طلائی، به فاصله ۲۶/۵ ذراع (حدود سیزده متر) مقابل در کعبه، در حیاط مسجدالحرام قرار دارد. گزارشات روایی شیعی (سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۷۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۳ و ج ۸، ص ۵۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۴۲۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۳) و اهل سنت (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۵۵؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۸، ص ۱۶۹) حاکی از آن است که این سنگ در دوران ابراهیم خلیل علیه السلام جنب کعبه معظمه با فاصله‌ای کم - که در گزارشات به عبور یک بز تعبیر شده - بین رکن حجرالاسود و در کعبه معظمه قرار داشت. (فاکهی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۵۵؛ فاسی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۲۰۷). در زمان جاهلیت به مکان کنونی منتقل شد و

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آن را به مکان اصلی برگرداند؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۴۳۱) خلیفه دوم پس از سیل ام‌نہشل و به بهانه ازدحام جمعیت، مقام را به همین مکان فعلی، که در زمان جاهلیت نیز همین جا بوده، منتقل کرد. (طوسی، ۱۴۰۷ق (الف)، ج ۵، ص ۴۵۴) طبق گزارشات حدیثی، مولی‌الموحدین علی رضی الله عنه به خاطر پرهیز از اختلاف امت و امتناع خلیفه و پیروانش، از برگرداندن مقام ابراهیم رضی الله عنه به مکان اصلی خودداری کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۵۸) و امام زمان علیه السلام پس از ظهور، آن را به موضع اصلی برمی‌گرداند. (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۳).

۲. عن عبدالصمد بن سعد قال: طلب أبو جعفر أن يشتري من أهل مكة بيوتهم أن يزيده في المسجد فأبوا فأرغبهم فامتنعوا فضاق بذلك، فأتى أبا عبد الله رضی الله عنه فقال له: إني سألت هؤلاء شيئاً من منازلهم و أفنيتهم لنزيد في المسجد و قد منعوني ذلك فقد غمني غماً شديداً. فقال أبو عبد الله رضی الله عنه: أيعمك ذلك و حجتك عليهم فيه ظاهرة؟ فقال: و بما أحتج عليهم؟ فقال: بكتاب الله. فقال: في أي موضع؟ فقال: قول الله ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ﴾. قد أخبرك الله أن أول بيت وضع للناس هو الذي ببكة، فإن كانوا هم تولوا قبل البيت فلهم أفنيتهم، و إن كان البيت قديماً قبلهم فله فناؤه، فدعاهم أبو جعفر فاحتج عليهم بهذا فقالوا له: اصنع ما أحببت.

و عن الحسن بن علي بن النعمان قال: لما بنى المهدي في المسجد الحرام بقية دار في تربيعة المسجد، فطلبها من أربابها فامتنعوا، فسأل عن ذلك الفقهاء. فكل قال له: إنه لا ينبغي أن يدخل شيئاً في المسجد الحرام غضباً. فقال له علي بن يقطين: لو (أني) كتبت إلى موسى بن جعفر رضی الله عنه لأخبرك بوجه الأمر في ذلك، فكتب إلى والي المدينة أن يسأل موسى بن جعفر رضی الله عنه عن دار أردنا أن ندخلها في المسجد الحرام فامتنع علينا صاحبها فكيف المخرج من ذلك فقال ذلك لأبي الحسن رضی الله عنه، فقال أبو الحسن رضی الله عنه: و لابد من الجواب في هذا. فقال له: الأمر لابد منه. فقال له: «اكتب بسم الله الرحمن الرحيم إن كانت الكعبة هي

النازلة بالناس فالناس أولى بفنائها، و إن كان الناس هم النازلون بفناء الكعبة
فالكعبة أولى بفنائها». فلما أتى الكتاب إلى المهدي أخذ الكتاب فقبله ثم أمر
بهدم الدار فأتى أهل الدار أبا الحسن عليه السلام فسأله أن يكتب لهم إلى المهدي كتابا
في ثمن دارهم فكتب إليه أن أرضخ لهم شيئا فأرضاهم. (ر.ك عياشي، ١٣٨٠ق،
ج ١، ص ١٨٥؛ فيض كاشاني، ١٤٠٦ق، ج ١٨، ص ١٠٦٣؛ حر عاملي، ١٤٠٩ق،
ج ١٣، ص ٢١٨؛ مجلسي، ١٤١٠ق، ج ٩٦، ص ٨٤)
٣. ر.ك: درگاهی و عندلیبی، ١٣٩٥ش، ص ٨-٤٦.

منابع

۱. آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ق)، **کشف الرموز**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ق)، **فتح الباری**، بیروت، دارالمعرفة.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۸ق)، **الطبقات الكبرى**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابوالصلاح حلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۳ق)، **الكافی فی الفقه**، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام.
۶. ازرقی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، **اخبار مكة و ما جاء فيها من الاثار**، مکه مکرمه، مكتبة الثقافة.
۷. اسدی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، **المهذب البارع**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. خمینی، سیدروح الله (بی تا)، **تحریر الوسيلة**، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۹. _____ (۱۴۱۵ق)، **منهاج الوصول**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضرة**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۸ق)، **رساله توضیح المسائل**، چاپ نود و دوم، قم، انتشارات شفق.
۱۲. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، **دلایل النبوة**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۳. پژوهشکده حج و زیارت (۱۳۹۳ش)، **مناسک حج محشی**، تهران، نشر مشعر.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۱۵. حکیم، سیدحسن (۱۴۱۶ق)، **دلیل الناسک**، چاپ سوم، نجف اشرف، مدرسه دارالحکمة.
۱۶. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، **قرب الإسناد**، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

۱۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)،
موسوعة الامام الخویی، قم، مؤسسه
احیاء آثار الامام الخویی.
۱۸. _____ (۱۴۱۶ق)، صراط
النجاة، قم، نشر المنتخب.
۱۹. درگاهی، مهدی و عندلیبی، رضا
(۱۳۹۵ش)، «نقش مقام ابرهیم در نماز
طواف»، میقات حج، شماره ۹۶، تابستان،
ص ۶۸-۷۰.
۲۰. سبزواری، سید عبدالاعلی
(۱۴۱۳ش)، مهذب الأحكام، قم،
مؤسسه المنار، دفتر معظم له.
۲۱. سبزواری، محمدباقر (۱۳۴۷ق)،
ذخیره المعاد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۲. _____ (بی تا)، کفایة الأحكام،
بی جا، بی نا (نرم افزار جامع فقه اهل
بیت ۲).
۲۳. سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب
سلیم بن قیس، قم، نشر الهادی.
۲۴. شاهرودی، سید محمود بن علی
(۱۴۰۲ق)، کتاب الحج، قم، مؤسسه
انصاریان.
۲۵. شهید اول، محمد بن مکی
(۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية، قم، دفتر
انتشارات اسلامی.
۲۶. _____ (بی تا)، رسائل الشهيد
الأول، بی جا، بی نا (نرم افزار جامع فقه
اهل بیت ۲).
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی
(۱۴۱۳ق)، مسالك الافهام، قم، مؤسسه
المعارف الاسلامیه.
۲۸. _____ (۱۴۲۲ق)، دفتر
انتشارات اسلامی.
۲۹. شیخ صدوق، محمد بن حسین
(۱۳۸۵ق)، علل الشرائع، نجف اشرف،
المکتبة الحیدریه.
۳۰. صاحب جواهر، محمد حسن (بی تا)،
جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت،
دار احیاء التراث العربی.
۳۱. طباطبایی، سید علی (۱۴۱۸ق)،
ریاض المسائل، قم، مؤسسه
آل البيت علیهم السلام.
۳۲. _____ (۱۴۰۹ق)، الشرح
الصغیر، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله
مرعشی نجفی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق،
الف)، تهذیب الأحكام، چاپ چهارم،
تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۴. _____ (۱۴۰۷ق، ب)، الخلاف،
قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۳۵. علوی، میرسیداحمد (بی تا)، **مناهج الأخیار فی شرح الإستبصار**، قم، اسماعیلیان.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، **تفسیر العیاشی**، تهران، چاپخانه علمیه.
۳۷. فاسی، محمد بن احمد (۱۳۸۶ش)، **شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام**، تهران، نشر مشعر.
۳۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۹. فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، **اخبار مكة، مكة مکرمه، مکتبه و مطبعة النهضة الحديثة**.
۴۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰ق)، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر.
۴۳. محقق حلی، جعفر (۱۴۱۵ق)، **المختصر النافع**، قم، المعارف الإسلامية.
۴۴. محقق داماد، سیدمحمد (۱۴۰۱ق)، **کتاب الحج**، قم، چاپخانه مهر.
۴۵. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۱ق)، **براهین الحج**، چاپ سوم، کاشان، مدرسه علمیه آیت الله مدنی.
۴۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **المقنعه**، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.
۴۷. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة و البرهان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۸. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، **مدارک الأحکام**، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۹. میلانی، محمدهادی (۱۳۹۵ق)، **محاضرات فی فقه الإمامیه**، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۵۰. نراقی، احمد بن مهدی (۱۴۱۵ق)، **مستند الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۱. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۹م)، **معجم البلدان**، بیروت، دار صادر.
۵۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، **تاریخ الیعقوبی**، بیروت، دار صادر.